

نشانه‌شناسی فرهنگی

نویسنده: آنا ماریا لوروسو

ترجمه: راحله قاسمی

انتشارات
سیاه‌رود

سرشناسه: لوروسو، آنا ماریا، ۱۹۷۳-م.
عنوان و نام پدیدآور: نشانه‌شناسی فرهنگی/نویسنده آنا ماریا
لوروسو؛ ترجمه راحله قاسمی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات سیاهرود، ۱۴۰۰.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۷-۶۹-۴

مشخصات ظاهری: ۳۱۳ص.

شناسه افزوده: قاسمی، راحله، ۱۳۵۹-، مترجم.

رده‌بندی دیوئی: ۳۰۱/۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۵۹۵۸۳

نام کتاب: نشانه‌شناسی فرهنگی

نویسنده: آنا ماریا لوروسو

ترجمه: راحله قاسمی

ناشر: انتشارات سیاهرود

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۰

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه‌ی رشنجی، پلاک ۷، واحد ۸

تلفن: ۶۶۹۰۶۷۸۶-۶۶۹۰۶۷۴۹

آدرس سایت: siahroudpub.ir ایمیل: siahroud@gmail.com

کلیه‌ی حقوق این اثر (چاپ و اقتباس) برای انتشارات سیاهرود است و

هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ، انتشار و کپی کل و

یا بخش‌هایی از این کتاب را به هر صورت ندارد.

فهرست

مقدمه	۷
نشانه‌شناسی نوین یا بازگشت به نشانه‌شناسی اصیل؟	۷
پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی	۱۸
مسیر کتاب حاضر	۳۳
فصل اول: دیدگاه ساختارگرایانه	۳۹
ساختارگرایی زبانی لوی استروس	۴۱
رمز و ساختارگرایی در آثار رولان بارت	۵۱
رمزها، ایدئولوژی‌ها، و ساخت‌ها	۶۸
ساختارزدایی از ساختارگرایی: ولسازی ژاک دریدا	۷۲
ساختارگرایی و تحلیل متنی	۸۳
تحلیل موردی: بازنمایی درد در وبسایت‌های بشردوستانه	۸۹
فصل دوم: وحدت و کثرت‌گرایی: نظریه‌ی یوری لوتمان	۱۰۷
فرهنگ، ارتباط و ترجمه	۱۰۷
مدل‌ها و گونه‌شناسی‌های فرهنگ	۱۱۹
حیات متن‌ها	۱۳۱
سپهرنشان به مثابه فضای رابطه‌ها	۱۳۹

حافظه	۱۵۴
تحلیل موردی: مادران میدان می	۱۶۵
فصل سوم: تفسیر و فرهنگ: نظریه‌ی اومبرتو اکو	۱۸۱
معنا به منزله‌ی یک واحد معنایی	۱۸۵
میراث پیرس	۱۹۶
مذاکره‌ی اجتماعی معنا	۲۰۲
اکو و گیرتز: دو نظریه برای تفسیر فرهنگ	۲۰۸
کردار نشانه‌شناختی و ایدئولوژی	۲۱۵
تحلیل موردی: ناشناس	۲۲۳
فصل چهارم: ایدئولوژی در دفاع از نشانه‌شناسی دیرینه‌شناختی	۲۴۳
بین همزمانی، درزمانی و قاعده‌مندی	۲۴۳
رویکرد دیرینه‌شناختی فوکو	۲۴۷
متن و بافت	۲۵۶
شکل‌گیری عادت‌واره: آموزه‌ی پیرس	۲۶۱
هنجارها، قواعد، کاربردها	۲۷۲
پیکره‌ی فرهنگ	۲۸۴
منابع	۲۹۵
فهرست اسامی	۳۰۹

مقدمه

نشانه‌شناسی نوین یا بازگشت به نشانه‌شناسی اصیل

ایده‌ی تألیف کتابی در رابطه با منظر و چشم‌انداز فرهنگی در نشانه‌شناسی ممکن است ایده‌ای کلی، بسیار جاه‌طلبانه، و شاید هم امپریالیستی به نظر برسد؛ «کلی» از آن‌رو که ممکن است این پرسش مطرح شود که مگر «فرهنگی» به معنای چیزی است غیر از تمام آن‌چه که ما انسان‌ها در اختیار داریم؛ و «جاه‌طلبانه» و امپریالیستی» از آن‌رو که رشته‌های علمی دیگری نیز هستند که با رویکردی برنامه‌ای به جنبه‌های فرهنگی حیات می‌پردازند؛ رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و قوم‌شناسی از این جمله‌اند.

به منظور تبیین طرحی که شالوده‌ی کتاب حاضر است به یکی از سستی‌ترین چهره‌های علم زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی و آراء وی در این خصوص اشاره خواهم کرد: سوسور بیش از یک قرن پیش همگان را فراخواند تا به «مطالعه‌ی حیات نشانه‌ها در زندگی اجتماعی» پردازند. بدین ترتیب، طرحی اجمالی از پارادایم نشانه‌شناسی نظری جهت مطالعه‌ی حیات معنا در چارچوب زندگی اجتماعی و فرهنگی ارائه خواهم کرد.

از زمان سوسور تاکنون، رشته‌های علمی متعددی حیات نشانه‌ها را بررسی کرده‌اند: انواع مختلف زبان‌شناسی، از زبان‌شناسی ساختارگرا که خاستگاه اروپایی

دارد تا زبان‌شناسی زایشی^۱ چامسکی، روان‌شناسی زبان^۲، قوم‌شناسی زبانی^۳، انسان‌شناسی زبانی^۴، و غیره، و بسیاری از نظریه‌ها و اشکال دانش غیرکلامی (حرکت‌شناسی^۵، تماس‌شناسی^۶).

در این اثنا، پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی حیات اجتماعی تفکیک و متمایز شده‌اند: تنها مکاتب قوم‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی انگلوساکسون نیستند که اکنون نهادهایی حقیقی به‌شمار می‌روند، بلکه اخیراً مراکز پژوهشی و رشته‌هایی نظیر مطالعات فرهنگی، مطالعات بصری، و مطالعات حافظه نیز فعال شده‌اند. به عبارت دیگر، عالم غنی و متنوعی از پژوهش‌ها وجود دارد که مستقیماً به نشانه‌شناسی نمی‌پردازند، بلکه موضوعاتی مشابه یا حداقل موضوع کتاب حاضر، یعنی فرهنگ، را تحلیل و بررسی می‌کنند.

بر این اساس، هدف کتاب حاضر این است که نشان دهد رویکرد نشانه‌شناختی به فرهنگ چه تفاوت‌هایی با رویکرد فرهنگی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی به مقوله‌ی فرهنگ دارد، چگونه می‌توان راهی برای گفت‌وگو میان این دیدگاه‌ها گشود و در ایجاد چشم‌اندازی تازه مشارکت کرد. در موارد خاصی تأکید خواهم کرد که نه تنها بین رویکرد نشانه‌شناختی و، برای مثال، رویکردهای انسان‌شناختی تفاوت‌های بنیادینی وجود ندارد، بلکه هم‌گرایی و تلاقی نیز میان آن‌ها دیده می‌شود. در این مجال، نمی‌توان یک بررسی انتقادی از همه‌ی نظریه‌های جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی ارائه داد که در پیش‌برد دانش نشانه‌شناختی مؤثر باشد. علاوه بر این، من نه جامعه‌شناس ام و نه انسان‌شناس، و این رشته‌ها را به منزله‌ی دانشی «بیرونی» می‌شناسم. اما مایل‌ام از منظر نشانه‌شناختی به تعامل و گفت‌وگو با آن‌ها پردازم (که در ادامه آن را توضیح خواهم داد)، با این امید که مشخص شود نشانه‌شناسی چگونه می‌تواند با دیگر پارادایم‌های علمی هماهنگی و مطابقت یابد (و چه چیزی برای ارائه به آن‌ها دارد)، و همچنین در زمینه‌ی

1. generative linguistics
2. psycholinguistics
3. ethnolinguistics

4. linguistic anthropology
5. kinesics
6. proxemics

پیش فرض‌ها، کردارها، و تألیفات مرجع چه اشتراکاتی با آن‌ها دارد.

خاطر نشان می‌سازم که تأملاتی که در این جا مطرح می‌شوند حاکی از گسست از یا نزاع با پارادایم سنتی نشانه‌شناسی (که ظاهراً بر نشانه‌ها، متون، رمزگان و غیره بیشتر تأکید دارد) نیستند، بلکه کتاب حاضر در نظر دارد این موضوعات را در مسیری بسط و توسعه دهد که همیشه وجود و حضور داشته است اما به‌طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته است. به همین دلیل است که به برخی از آثار «کلاسیک» این رشته، همچون آثار سوسور، پیرس، اکو، لوتمان و بارت، اشاره می‌کنم. به‌طور خلاصه، نشانه‌شناسی فرهنگی‌ای که در این جا به‌اجمال مطرح می‌شود نوعی نشانه‌شناسی جدید نیست، بلکه تلاش برای بازگرداندن این رشته به شکل اصیل و واقعی آن، از حیث معنا و محتوای اجتماعی و انتقادی است (که همان‌طور که می‌دانیم، ریشه در اندیشه‌های سوسور دارد). اغلب با نسخه‌هایی از نشانه‌شناسی مواجه می‌شویم که از نظر نگارنده، اقتباس یا تقلید محض هستند: یک رشته‌ی شبه‌علمی که کاملاً بر رمزها و زبان کلامی متمرکز شده است و در «چرخش زبانی»^۱ محدود شده است و تنها به دستور زبان و قواعد توجه دارد (بر مبنای ایده‌ی کهن ساختارگرایی) و نه بر جریان‌ها و فعالیت‌هایی که معنا، در هر زبانی، درون آن‌ها جای دارد؛ به بیان دیگر، وشیهای انتزاعی و جدا از کارکرد واقعی جهان. بالعکس، در این کتاب مایل‌ام نشانه‌شناسی‌ای را به‌اختصار تبیین نمایم که - حتی با فاصله گرفتن از دیدگاه متنی - ابزارها و امکاناتی (نظری و روش‌شناختی) دارد که می‌تواند «معنا در عمل»^۲، [یعنی] فعالیت‌های اجتماعی مورد استفاده برای کنترل و مدیریت معنا، را ثبت و توصیف کند. دقیقاً به همین دلیل، نشانه‌شناسی «من» به انسان‌شناسی بسیار نزدیک و با آن منطبق است: مفهوم «معنای در عمل» می‌تواند هسته و شالوده‌ی هر دوی این حوزه‌های علمی باشد. به این ترتیب، بین دو مدل نشانه‌شناسی، یعنی semiotics [نشانه‌شناسی پیرسی]

1. linguistic turn
2. meaning in action

و semiology [نشانه‌شناسی سوسوری]، گزینشی انجام نمی‌دهم. نشانه‌شناسی پیرسی رشته‌ای منطقی-فلسفی برای مطالعه‌ی نشانه‌پردازی است، و نشانه‌شناسی سوسوری رشته‌ای زبان‌شناختی-ساختاری که نشانه‌ها را به منزله‌ی بخشی از زندگی اجتماعی مطالعه می‌کند.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، این کتاب به نشانه‌پردازی به منزله‌ی نهادی اجتماعی می‌پردازد و به پیروی از سوسور، حیات اجتماعی نشانه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. البته از چارلز سندرس پیرس هم پیروی می‌کنیم و در این کتاب منطق معنا را نیز مورد بحث قرار می‌دهیم. به عبارتی، ساز و کار تفسیر، عادات تفسیری و قانونمندی‌ای را که نشانه‌پردازی به واسطه‌ی آن به حیات خود ادامه می‌دهد مطالعه می‌کنیم.

به اعتقاد من، در تقابل قرار دادن نشانه‌شناسی پیرسی و نشانه‌شناسی سوسوری هیچ فایده و مزیتی در بر نخواهد داشت و ما در این جا از اصطلاح semiotics به دلیل کاربرد رایج‌تر آن نسبت به semiology استفاده می‌کنیم (اصطلاح semiology در سنت فرانسوی بسیار متداول است). در عوض، لازم است که تطابق و هماهنگی بین این دو مدل نشانه‌شناسی را بازشناسیم و امکان تقویت متقابل در این دو را تشخیص دهیم، همان‌طور که اوברتو اکو نیز تلاش کرده است تا با نظریه‌ی نشانه‌شناسی‌اش به چنین هدفی دست یابد (در فصل سوم به این موضوع خواهیم پرداخت).

چشم‌انداز فرهنگی در نشانه‌شناسی به هیچ‌وجه چشم‌انداز جدیدی نیست، حتی در جهان انگلوساکسون.

در سال ۱۹۷۷، توماس سییاک اصطلاح «نشانه‌شناسی فرهنگ»^۱ را مورد استفاده قرار داد. وی با بررسی پژوهش‌های گوناگون درمی‌یابد که محافل و

انجمن‌های انسان‌شناسی بریتانیا و ایالات متحده به نوعی «حساسیت نشانه‌شناختی»^۱ مجهز شده‌اند. در آن زمان، سییاک به هم‌گرایی انسان‌شناسی و نشانه‌شناسی اعتقادی راسخ داشت، و انسان‌شناسی نمادین^۲ مورد قبول جی. ال پیکاک و انسان‌شناسی تفسیری^۳ کلیفورد گیرتز را از یک منظر نگاه می‌کرد. او از ترنر و «نمادشناسی تطبیقی‌اش»^۴، و از سینگر که صراحتاً به «انسان‌شناسی نشانه‌شناختی»^۵ اشاره دارد مطالبی را نقل می‌کند، اما واضح است که مرجع نظری اصلی سییاک مکتب تارتو^۶ است (این موضوع در فصل دوم به تفصیل بیان خواهد شد).

از نظر این گروه [مکتب تارتو]، فرهنگ عالمی است که از کثرتی از نظام‌های نشانه‌ای دارای تعامل و متأثر از یکدیگر خلق شده است. این نظام‌ها را می‌توان از لحاظ تعریف و ساختاربندی انواع گوناگون متون فرهنگی مورد بررسی قرار داد. برای اصطلاح ساختاربندی تعبیری مفصل و گسترده ارائه شده است شبیه همان کاربردی که گیرتز در بحث بازی عمیق^۷ داشته است. (سییاک، ۱۹۷۷: ۱۲۲)

از سال ۱۹۷۷، سییاک معتقد بود که نشانه‌شناسی فرهنگ نباید با جانب‌داری از زبان همراه باشد، چرا که همه‌ی نظام‌های نشانه‌ای به یک اندازه اهمیت دارند. بنابراین، مسأله این نیست که بین رویکرد ساختاری-زبان‌شناختی و رویکرد فلسفی-کاربردشناختی انتخابی صورت بگیرد، بلکه آن چه اهمیت دارد این است که این دو میراث هر دو به یک اندازه مورد توجه قرار گیرند.

لازم است که بین سنت نشانه‌شناختی فرانسوی‌زبان^۸ تحلیل مرتبه‌ی اول^۹ رمزگذاری نشانه‌شناختی که حاصل تلاش‌های فردینان دو سوسور می‌باشد و سنت نشانه‌شناختی انگلیسی‌زبان^{۱۰} تحلیل مرتبه‌ی دوم که

- | | |
|--------------------------------|-------------------------|
| 1. semiotic sensitivity | 6. Tartu school |
| 2. symbolic anthropology | 7. deep play |
| 3. interpretative anthropology | 8. francophonic |
| 4. comparative symbology | 9. first-order analysis |
| 5. semiotic anthropology | 10. anglo-phonetic |

نتیجه‌ی درهم آمیختگی نشانه‌پردازی و ساختار نظم اجتماعی است و از لاک و پیرس تبعیت می‌کند وحدتی ایجاد شود و از این وحدت نیز یک نظریه‌ی نشانه‌شناختی فرهنگ به وجود آید [به شرح چشم گیر یاکوبسن (۱۶) در خصوص سیر کلی پیشرفت نشانه‌شناسی رجوع کنید]. مکتب مسکو- تارتو ثابت کرده است که در این زمینه پیشتاز بوده است. (۱۲۳)

از نظر سییاک، چنانچه بخواهیم به آنچه وی آن را تحلیل مرتبه‌ی اول می‌نامد دست یابیم، نشانه‌شناسی ضرورت می‌یابد. تحلیل مرتبه‌ی اول در واقع تحلیل رمزا و ساختارهایی است که در اساس و بنیان همه‌ی مرادات و مبادلات معنادار قرار دارند. در تحلیل مرتبه‌ی اول، قدرت و کارآیی روش نشانه‌شناختی چشم گیر است، اما نمی‌توانیم در این سطح توقف کنیم. در این سطح، فقط به دانشی انتزاعی و نسبی دست خواهیم یافت. پس از تحلیل مرتبه‌ی اول، باید در جهت معنای در عمل گام برداریم. همان‌طور که انسان‌شناسی انگلوساکسون به درستی نشان داده است، دانشی که از حقیقت جدا شده باشد، و بر رمزا تمرکز فراوان و به نقش‌ها و عملکردهای نشانه‌شناختی حقیقی توجه اندک داشته باشد دانشی نارسا و ناکارآمد است. خدمات و کارهای انسان‌شناسان زبان‌شناس همچون الساندرو دورانتی یا الینور اوکس انتزاعیت مواضع و دیدگاه‌های زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی کهنه را به چالش کشیده است و زیر سؤال برده است. سییاک معتقد است که از منظر نشانه‌شناختی صرف، راه گریز از انتزاع این است که پیرس و ساختارگرایی با هم ترکیب شوند (وی به طرح و توصیه‌ی گیرتر علاقه‌مند بود مبنی بر این که متن همیشه باید در بافت یا موقعیت خوانده شود، نه این که همچون رمزهای انتزاعی برداشت شود).

این تلفیق - ساختارگرایی و آموزه‌های پیرس، به همراه آثار مکتب تارتو - الهام‌بخش این کتاب، و بیانگر پیوند بین این اثر و نشانه‌شناسی اومبرتو اکو است (که در این جا تأثیرگذارترین چهره قلمداد می‌شود). بر این باور ام که با این نوع

نشانه‌شناسی فرهنگ می‌توانیم هم به انسان‌شناسی و هم مطالعه‌ی معنای در عمل
بپردازیم.

عبارت «نشانه‌شناسی فرهنگ» در اواخر سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی
۱۹۸۰ احیاء شد، و آخرین پورتیس‌وینر (۱۹۸۲) از این عبارت استفاده کرد. او در
یک پژوهش بنیادین در خصوص رابطه‌ی بین نشانه‌شناسی و فرهنگ، مقایسه‌ی
بین نشانه‌شناسی شرقی و غربی را توصیه می‌کند، و تحلیلی کتاب‌شناختی ارائه
می‌دهد از معناهایی که عبارت «نشانه‌شناسی فرهنگ» از اوایل دهه‌ی ۸۰ تاکنون به
خود گرفته است. در این حین، وی شباهت‌ها و مطابقت‌های فراوانی با انسان‌شناسی
پیدا می‌کند.

در آثار وی، علاقه‌ی خاصی به مکتب تارتو دیده می‌شود. پورتیس‌وینر با
دنبال کردن خط سیری که از حلقه‌ی پراگ آغاز می‌شود و به لوترمان می‌رسد، به
اهمیت و اولویت متن^۱ پی می‌برد، اما بسط کلی [و افراطی] واژه‌ی «متن» توسط
ریکور و گیرتز را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

از نظر پورتیس‌وینر، تلقی لوترمان از متن «فرهنگی» موانعی را که بر سر راه
تحقیق نشانه‌شناختی وجود داشت رفع می‌کند.

- دوتایی لانگ^۱/پارول^۲، چرا که هیچ متنی نبود صرف یک نظام، یا
کاملاً ساکن نیست
- سیطره‌ی زبان، چرا که متن‌ها توسط نظام‌های نشانه‌شناختی متعدد
ایجاد می‌شوند
- دوگانگی بین مجاورت متن و تأثیر آن بر بافت

(پورتیس‌وینر، ۱۹۸۲: ۵۵)

1. *langue*

2. *parole*